

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

A.R.M.D

اسناد جنبش انقلابی

فرستنده: دیپلوم انجنیر نسرين معروفی

۲۱ اکتوبر ۲۰۱۸

دشمن مشترک

درفلسفه سیاسی فورمولی وجود دارد که مربوط میشود به مسئله ی چگونگی رابطه مذهب با سیاست . بر اساس این فلسفه – مبارزه همه دموکراتها در زمینه عبارتست از تفکیک مذهب از سیاست . زیرا بنا بر این بینش فلسفی بینابینی – دین و مذهب وجدانیت اند و اخلاقیات و هرکمی مخیر است آنرا چگونه بازتاب میکند . لذا عقاید افراد آزاد است و وجود عقاید مذهبی مختلف و غیر مذهبی در جامعه مانعی ندارد . بنا بر این اهل عام در دوران تحول بورژوا دموکراتیک – تمام دموکراتها بآن سخت پایبند اند و تنها سرخستان و متعصبان مذهبی که اغلب از نظر سیاسی مبین منافع طبقات حاکم فتودا ل میباشد به آن معتقد نیستند و این اصول را پایمال میازند .

و اما – گاهی کسانی هم یافت میشوند که ظاهر؛ زیرمشی مترقی – از این اصول دموکراسی بورژوائی نیز گامی بعقب میگذارند و بر توأمیت مذهب و سیاست اصرار میورزند و آنرا در لفافه تیوریک توجیه مینمایند . از آن زمره است سازمان رهائی . جزوه مشعل رهائی مینویسد : ... نبرد توده های ملت ما بر ضد تجار ز بیگانه و غدارترین دشمن بشریت است . توده هادر برابر تجاوز – جنایت و کشتار با توسل به عقاید مذهبی خود بمبارزه برمیخیزند . خواست جمهوری اسلامی نیز ناشی از همین خصوصیت جنبش ما است . (صفحه ۴۶ آن جزوه) (باید اضافه کرد که شاید بنا بر همین علت است که طرح جمهوری اسلامی احزاب مختلف اخوانی مبتنی برخواست توده های توده و روشی است انقلابی ؟)

به بینیم اخوانیهادرینمورد چه میگویند :

حزب اسلامی مینویسد : ... با وجودیکه کشور ما یک کشور اسلامی است – ولی ملت از مزایای چشمگیر نظام اسلامی واقف نبوده از آن محروم اند – نه خود از هدایات اسلامی مستفید گردیده اند و نه بادیگران درین زمینه کومکی میتوانند انجام دهند . بنا بر نظر حزب مزبور – گویا نیاز به جهاد مذهبی و ضرورت ایجاد جمهوری اسلامی – بعلت اینستکه جامعه افغانستان تاهنوز به اصول و هدایات اسلام پی نبرده و بدان مسلح نمیشد – ولی رهائی معتقد است که جنبش آزادیبخش ملی مردم افغانستان جنبه دینی دارد و نه تنها توده – با توسل به عقاید مذهبی خود بمبارزه برمیخیزد بلکه برخلاف نظر احزاب اسلامی – مذهب موتور انقلاب بشمار میرود و نقش اخوان و رهائی – سران شکی است .

* مرامنامه حزب اسلامی * کلب الدین – مقدمه ص ۷۰

در همین جالزوم آن دارد که نظردیگری از "دیالکتیسن" های "رهائی" راهم قیدکنیم تا آن برداشت و تحلیلی "ویژه" مستدل باشد و خواننده بسر در نمی دچارنشود: "در طرح یک برنامه و سیاست - نخست از همه باید سنجید که چند در صد توده ها آنرا شنایید و مورد پشتیبانی قرار میدهند. خلاصه سیاست های ماباید طور ی باشد که توده هارهیبری مارادرت کرده تحت رهبری این سیاست به پیروزیهای نایل آیند و از این رهبری هیچگونه تشویشی بخود راه ندهند." (صفحه ۵۰ - همانجا) .

حقیقتاً مبارزه طبقاتی دیالکتیک تاریخ بوده و ایده های اجتماعی ایدئولوژیهای طبقات متضاد مبین این پیکاراند. "رهائی" از این امر مستثنی نیست ولی ایده های راناپیوسته ارائه میدارد که کمی قاطی پاتی شده کوچک پمکوچه دارد. آقایان رهبری "رهائی" در محنه تاریخ باتوده هایک بازی "سیاسی شده" اقتصادی - اکونومیستی راپیش گرفته اند که از مارکسیسم به لیبرالیسم سوژواری بیشتر قرابت دارد و در عقرگاهش رویزیونیم جدید "سنگر" گرفته است .

زیرا - طرح برنامه ای که یک مرحله انقلاب اجتماعی را در بر میگیرد و برنامه سیاسی استراتژیکی است (و برای پرولتاریا برنامه حداقل بشمار میرود) و قیاحانه در قید این واقع میشود که - فیمدی توده هاییکه به جنبش خود بخودی تحت شعارهای عنعنوی / قبیلوی و مذهبی گرایین دارند - در امر پشتیبانی عاجل (و خود بخودی) از یک برنامه سیاسی انقلابی - که هدفش تغییر روابط عقمانده و آگاهی عامیانه میباشد / چه قدر است ؟ و بنابراین میبایست بر اساس این ارزیابی کرنش طلبیانه و اپورتونیستی برنامه رایی ریزی کرد. به نظر آنها لزوم آن ندارد که توده هارا از لحاظ آگاهی سیاسی طبقاتی / آگاهی دموکراتیک و ملی / آگاهی سوسیال دموکراتیک تاسطح پرولتاریا و برنامه سیاسی او ارتقا داد بلکه سانه تر آنکه - پرولتاریا (اگر مطرح باشد) و برنامه او ویرا تاسطح عوام الناس تنزل بخشید / زیرا هدف آنست تا آنها متر از حرکت کنند و همسند و هم سطح قرار گیرند . این سیاست خرده بورژوازی - سیاست انطباق یابی با جنبش خود بخودی و خواست های عامیانه سیاسی و اقتصادی توده نه نهاد تاکتیک بلکه در عمل کرد استراتژییک تنزل بخشیدن اصول مترقی و شعار و برنامه مترقی - که در لحظه کنونی همانا ملی و دموکراتیک است - به لجن کشیدن م. ل. م. با اندازه گیری میزان افراد موثید و سپس تنظیم برنامه سیاسی تاسطح درک عامیانه جنبش خود بخودی عوام - سیاستی اکونومیستی / اپورتونیستی خائنه و ارتجاعی بیش نیست .

بمسورداست اگر متذکر شویم که درباره اکونومیستها و اینکه آنها میخواهند جنبش حاضر و آماده خود بخودی توده های کارگران و خلق بطرزی که موجود هست - منطقی شناخته شود و قانونی بودن (اولویت) آن جریانی که موجود است تصدیق گردد. کذا اینکه جهت منحرف ساختن این جنبش از حالت موجوده سعی نگردد - چه باید کرد مینویسد: ((آنها میخواهند مبارزه ای که آنها در واقع در این لحظه دست بآن زنه اند * ممکن شناخته شود)) (برعکس ماسوسیال دموکراتهای انقلابی از این سر فرود آوردن در برابر جریان خود بخودی - یعنی در برابر آنچه یککه در لحظه حاضر هست ناراضی هستیم . ما خواهان تغییر تاکتیک هستیم که در سالهای اخیر کمروائی داشته است)) .

و اما اعلام خطر اینکه سوسیال امپریالیسم روس مهلکترین و غدارترین دشمن بشریت است - برای خلقهای ستمدیده در حدود ملی مسئله‌ی قبول شده و عام می‌باشد. این امر بخاطر امپریالیستی بودن آنست نه بخاطر باصطلاح "سوسیالیستی" بودنش که "رهائی" همراه با "متحدان طبیعی" اش اخوان و نیروهای ارتجاعی طبقات حاکم - با مدرک قرار دادن "خواست توده‌ها در زمینه ویژگی مذهبی جنبش خودبخودی" این دشمن عریان را غدارتر از سایر امپریالیست‌ها تشخیص و توجیه مینماید .

بنابران - به هیچوجه نمیتوان غداریت سیستم امپریالیستی - یعنی انحصارات بین المللی مالی سرمایه‌داری محض را - که با استثمار بی‌رحمانه نیروی کار پرولتاریا و دسترنج زحمتکشان/ همواره با نقیصه‌دمل و کشتار و ستم بر خلق‌ها دست یازیده می‌یازد - بویژه امپریالیسم امریکاربطور اخص ناچیز قلمداد کرد . زیرا معلوم است که امپریالیسم روس علی‌العجاله در کشور ما دشمن عمده و متجاوز بوده در حالیکه در بسیاری کشورهای دیگر امپریالیسم امریکادشمن عمده و متجاوز می‌باشد . کتمان این واقعیت طبیعتاً چیزی جز آب به آسیاب ارتجاع جهانی ریختن نبوده و جز خیانت به پرولتاریای انقلابی و خلقهای تحت ستم امپریالیسم نیست .

ولی - مسئله فقط به همین آژیر خطر یا این درک عامیانه و استدلال رویزیونیستی "دیپلوماتیک" خاتمه نمی‌پذیرد . باید دید چه کسانی این نداء ضد دشمن مشترک را مستمر "از ناف شان به منظور سوء استفاده سیاسی بلند میکنند ؟ - اینها نمایندگان پرولتاریا و خلق‌ها اند ؟ - این اخوان المسلمین و عوامل امپریالیسم امریکاست ؟ اینها کمپرادورها و فئودال‌های مخالف رژیم عامل دشمن اند ؟ - و یا هم سازمان "رهائی" و رویزیونیست‌های چینی است ؟ .

آیا طرح و تکرار و تدارک این شعار ضد دشمن مشترک - با تخطی رویزیونیستی از وظایف اصولی مل که میبایست در برابر کارگران در جنبش خودبخودی توده‌ها صورت پذیرد رابطه ندارد ؟ . چه جای شبهه‌ئی است که هدف سیاسی خاص "رهائی" دو چیز باشد :

نخست اینکه - اینگونه شعار پیاپی در مورد دشمن مشترک میتواند گویای ((وحدت سیاسی تمام نیروهای ضد تجاوز بر اساس مشی جبهه واحد)) باشد و ثانیاً اینکه شعار مزبور مواضع آنان را در انعکاس تضاد منافع سیاسی امپریالیسم روسیه از یکسو و رویزیونیست‌های چینی و پشتیبانان امپریالیسم غربی او و دول ارتجاعی منطقه از طرف دیگر بخوبی بیان میکند این واقعیتی است سرسخت مبتنی بر تئوری سه جهان که مادر این جا بروی آن مکتب نمیتوانیم .

اما چیزی که برای ما و اجد اهمیت فوری است اینکه - آیا این نداء ضد دشمن مشترک با اعلام حقانیت رژیم مذهبی - با تمسک خیانت آمیز به ذهنیت عوام الناس توسط "رهائی" - چه تاءثیری بر اغوای لایه‌های پائینی روشنفکران انقلابی و کارگران ساده و چه تاءثیری بر نهضت خودجوش توده‌های دهقانی بجامیگذارد ؟ . این فریاد کدائی تاکجامتوالیا تضادهای اساسی میان پرولتاریای رزمنده و رویزیونیست‌ها - طبقات حاکمه ارتجاعی و عقبگاه استراتژیک آنان سوسیال امپریالیست‌ها و امپریالیست‌ها را کتمان میکند و روی آن بیشرمانه خاک می‌پوشد ؟ .

شعار مزبور چگونه تضادهای میان فئودال‌ها و کمپرادورها و وابسته‌ی مستقیم به

امپریالیسم غرب و کارگران و دهقانان ستمدیده و کلاً خلق‌ها را ماست مالی می‌کند؟ و کذا چسان این نداها در واقع صحیح که در ماهیت عاملین آن جز خدعه و فریب نیستند - باعث آن می‌گردد تا در آستان جریان خودبخودی از تکامل و شعوریابی سیاسی توده‌ها جلوگیری بعمل آید.

باید دید در پس پرده ٦ این فسرادهای کذائی و عوام‌فریب - چگونه چهره‌های آلوده ٦ تمایلات آنتی کمونیستی خود را (که از انحلال طلبی یک جریان انقلابی و زمینه‌سازی برای رویزیونیستهای "خلق" - تا شرکت در کودتاهای نظامی دیروز و کذا جبهه‌سائی در برابر جنبش خودجوش و تکریم در مقابل مشی استراتژیستیک مرتجعین با اتخاذ مشی رویزیونیستی امروز سیر کرده است) از مردم پنهان میکنند و به فحواى ضرب المثل عوام " این دیک بان دیک می‌گویند پشت سیاه است " .

سپتامبر ١٩٨٤

انجمن همبستگی جنبش انقلابی
(افغانستان)